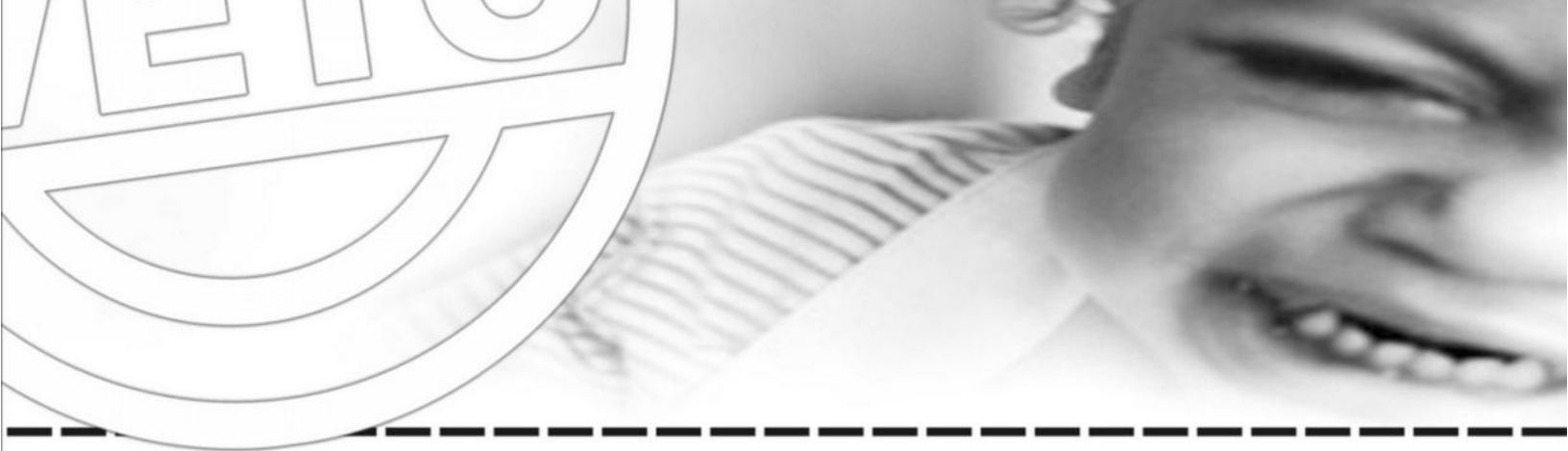




بشماریم، بیش از ۹ سال و شش ماه زمان لازم داریم. حالا اگر یک تومانی باشند، بیش از نود و پنج سال نزدیک به یک قرن. پس یک میلیارد مثل بعضی عددها که کوچکنند، کوچک نیست. ۴. ممکن است که در بسیاری از کشورها بدون آب زندگی کرد و تشنگی را با آب میوه رفع کرد اما ممکن نیست بتوان بدون نفت زندگی کرد چون چیزی به نام نفت میوه وجود ندارد که جای خالی این ماده را پر کند. آنجا، اگر نفت از زندگی خط بخورد خود زندگی خط خورده است.

۵. بعضی خواب‌ها بسیار خطرناکند چون ممکن است به مرگ متصل شوند. بعضی خواب‌ها اگر به مرگ وصل شوند، دیگر نمی‌توان برای صاحب آن کاری کرد و برای بیداری از این خواب‌ها جز خالق هیچ کس نمی‌تواند کاری کند. حالا اگر شخص خودش نخواست و از خواب بیدار نشد، خیلی زود، هم تاریخ آبروی او را می‌برد و هم روز آخر اتفاق بسیار بدی برایش خواهد افتاد چون آنجا حتماً از آدم بعضی سؤال‌ها را خواهند پرسید.

ماجرای فلسطین ماجرای آن فرزند کوچک سیلی خورده است. فرزند کوچکی که بدون این که دست خودش باشد سیلی خورده است. همیشه ضعیف بودن دست خود آدم نیست. گاهی آدم را ضعیف نگه می‌دارند درست مثل همین فرزند کوچک خانواده. بعضی‌ها که فکر می‌کنند خدا برای آفریدنشان وقت بیش‌تری گذاشته است تا سوگلی آفریده‌ها بشوند و تازه گل‌شان هم مرغوب‌تر بوده است، کاری کرده‌اند که نباید می‌کرده‌اند. اصلاً انگار گل یهود را با آب شر خیس کرده‌اند. از ایرادهای معروفشان به کلیم‌الله تا خیانت‌های صدر اسلامشان به رسول الله. حالا هم این زشتی‌ها، البته منظور یهودیان نیست. در حال حاضر زیادند یهودیان انسانی که معتقدند اسراییل وجود خارجی ندارد. صحبت ما بر سر غاصبان اسراییلی است. با این حال، با این که سیلی را زده‌اند، اما آیا مقصران اصلی خانواده اسلام فرزندان ارشد آن نیستند؟ اگر کمی انصاف بدهیم و آیینه گم نکنیم بعد از همه ما، شارون‌ها و اصحابش مقصرند. چرا

۱. خانواده‌ای دارای چهار فرزند بودند که یکی از آنان به دلایلی از بقیه ضعیف‌تر بود. به عکس، سه برادر بزرگ‌تر او به نوعی از تمام آدم‌های شهر قوی‌تر بودند. این قوی بودن را تمام مردم شهر خوب می‌دانستند، اما همیشه سعی می‌کردند این موضوع از نظر برادران بزرگ‌تر مخفی بماند و تا حدودی هم موفق شده بودند. خود برادران بزرگ‌تر هم هیچ‌وقت روی این موضوع خیلی فکر نکرده بودند، چون اگر این کار را می‌کردند، آنان هم مثل بقیه آدم‌های شهر به قدرت خفته‌ای که در وجودشان بود پی برده بودند. یک روز صبح این خبر در شهر پخش شد که یک نفر سیلی محکمی به گوش برادر کوچک‌تر زده است. آن قدر محکم که جای انگشتانش روی صورت برادر کوچک‌تر باقی مانده است. حالا اگر حتم داشته باشیم که شخص ضارب کاملاً سه برادر اول را می‌شناخته است، جواب این دو سؤال که اولاً مقصر اصلی کیست؟ و ثانیاً چرا؟ چیست؟ بی‌شک جواب تمام کسانی که مخاطب این سؤال قرار می‌گیرند، اگر فقط یک دقیقه فکر کنند، این است که اولین سه مقصر اصلی این ماجرا، سه برادر بزرگ‌ترند و مقصر بعدی شخصی است که سیلی زده است. چرا چون آن سه برادر کاری نکرده‌اند که این جسارت و جرأت نه تنها از شخص ضارب که از تمام آدم‌های شهر گرفته شود.

۲. یک سؤال ریاضی: چهار تشکیل شده است از یک به اضافه چه عددی؟ جواب این سؤال در تمام کشورهایی که در فاصله بین دو قطب قرار گرفته‌اند، عدد سه می‌شود. این ادعا که برای رسیدن به عدد چهار، وقتی ما عدد یک را داریم، عدد دیگری به جز سه هم باید باشد. نباید باور شود زیرا یک فقط و فقط با سه، مساوی چهار می‌شود، فقط با سه!

۳. یک میلیارد به هیچ وجه عدد کوچکی نیست. یک مثال بزنیم: اگر یک میلیارد تومان پیش داشته باشیم که همه آن اسکناس‌های ده تومانی باشند و بخواهیم آن را بشماریم با این پیش فرض که روزی هشت ساعت و هر ثانیه یک اسکناس

عباس داویدیان‌فر

فرزند کوچک خانواده





کاری نکرده‌ایم که آن‌ها به این یقین برسند که اگر یک سیلی بزنند، ده سیلی خواهند خورد. اگر ما چهار بودیم امثال اسرائیل کی اجازه یک چنین کارهایی را به خودشان می‌دادند. با داشتن عدد یک برای رسیدن به چهار، فقط باید سه به آن اضافه کرد. «به غمخوارگی چون سرانگشت من نخارد/ کس اندر جهان پشت من». خودمان اگر به داد خودمان نرسیم کسی نمی‌رسد. آن یک را فقط ما می‌توانیم چهار کنیم. قبلاً ثابت شد که عدد یک میلیارد عدد بسیار بزرگی است. نمی‌توان مبارزه نظامی کرد، دلیل نمی‌شود که در مبارزه را بست، فقط تکلیف عوض می‌شود. مالی باید کم‌کشان کنیم. ما یک میلیارد نفریم. سالی هزار تومان هم اگر نفری کمک کنیم می‌شود هزار میلیارد، یعنی برای شمارش آن این بار باید نه هزار و پانصد سال زمان گذاشت. یعنی بیش‌تر از عمر تاریخ بشر. البته این بازی با اعداد کمی بچگانه و غلو‌انگیز است. اما با این حال، این مقدار پول درصد بسیار زیادی از مشکلات این مردم رنج کشیده را حل خواهد کرد. درصد بسیار زیادی را، کم کاری شده است. متأسفانه باید بگوییم کم کاری کرده‌ایم. از کشور خودمان حرف بزنیم. رسانه‌ها اعلام کردند کشور ما سال گذشته صد و هفتاد میلیون تومان کمک مالی به این کشور داشته است. این عدد، عدد آبروبری است. اگر این عدد بر جمعیت کل کشور تقسیم شود به عدد سه می‌رسیم. یعنی من در تمام طول سال فقط سه تومان به برادر کوچکم کمک کرده‌ام، یک دهم پول یک نان سنگ برای سیصد و شصت و پنج روز. عدد واقعاً کمی است. حضرت حق بحمدلله، بر ما مسلمانان منت گذاشته و درصد بسیار زیادی از نعمت کبیری به نام نفت را زیر پای ما انبار کرده است. نفت خون کشورهاست. با این همه نفتی که ما داریم کارها می‌توانیم بکنیم. سیلی است که زده شده است، جسارتی است که کرده‌اند باید جبران کنیم. بهترین راه و شاید تنها‌ترین راهی که دولت‌ها می‌توانند به وسیله آن کاری بکنند، اجرای پیشنهاد حکیمانه‌ای است که رهبر فرزانه انقلاب مطرح کردند. کافی است یک ماه، نفت به روی دنیا بسته شود. شرط لغو این تحریم هم دخالت نظامی کشورهای غربی و سازمان ملل به

اخراج اسرائیلی‌ها از فلسطین باشد. به یک ماه نمی‌شود دنیا دیوانه می‌شود. فقط باید کشورهای نفت خیز همتی کنند. انگار یک پودر بی‌خیالی درغذایمان ریخته‌اند. متأسفانه درصد زیادی از کشورهای اسلامی آن‌گونه که باید، عمل نکرده‌اند. خوابمان برده است. این خواب آستن اتفاقات بدی است. امروز فلسطین، فردا سوریه، پس فردا اردن، روز بعد عراق و... یک روز هم ایران و بالاخره بعید نیست یک روز تمام کشورهای اسلامی گرفتار فتنه ستمگران شوند. اگر از خواب بیدار نشویم فردا بسیار دیر است. فردا که آن روز بزرگ فرا برسد، از آنجایی که حضرت حق با هیچ یک از ما نسبت فامیلی و یا رودربایستی ندارد، از تک تک ما حتماً خواهد پرسید فلسطین، چرا؟ حتماً می‌پرسند: «تو هرگز رسیدی به فریاد کس که می‌خواهی امروز فریادرس»

من، من و من تو، توو تو این همه من این همه تو
گم شده در خویشی خویش
گم شده در یک قفس آهنی از دیدن خود
ساخته پنجه خویش
دورتر از این همه من، این همه تو
تکه‌ای از این همه ما
زخم به دل
چشم پر از اشک چرا
منتظر صاعقه‌ای
از نفس مردمانی همه از نسل چرا
ما که نشسته‌ایم پس
دیده سفید کردن تکه‌ای از این همه ما، به در به آسمان چرا؟
به درب آسمان چرا
کاش که من، کاش که تو، کاش که ما این همه من این همه تو،
این همه ما...

